

محمد پیامبر از خود راضی

احادیث زیادی از پیامبر اسلام شنیده ایم که خود را برترین پیامبر می دانسته و از همین روست که خود را خاتم الانبیا نامیده است. وی از اینکه در آینده شارلاتانی نظیر خودش پیدا شود و بیشتر از او محبوبیت پیدا کند واهمه داشته است. بنابراین خود را خاتم انبیا می نامد تا کسی پس از او نتواند به مقامی بالاتر از او دست یابد.

حدیثی از قبیل اینکه: بخیل آن کسی است که وقتی نام مرا می شنود بر من صلوات نفرستد نشان دهنده خودخواهی این پیامبر است.

پیامبری که میراثش چیزی به جز عقب افتادگی و تروریست پروری در بر نداشته است. بعضی افراد وقتی از احادیثی اینچنینی با آنها سخن می گویی برای تبرئه این پیامبر خود خواه می گویند این حدیث جعلی است. اما این پیامبر خود خواه درقرآن از قول خدا می گوید: خدا و فرشتگانش بر روان پاک این پیغمبر صلوات و درود می فرستند. شما هم ای اهل ایمان بر او سلام و درود بفرستید و با تعظیم و اجلال بر او سلام گوید(آیه 56 سوره الحزاب). این آیه به خوبی بیانگر این است که کار محمد به جایی کشیده که خود را از خدا و فرشتگان نیز بالاتر می داند.

اما انگیزه نوشتن این چند سطر وقتی در من ایجاد شد که در روزنامه کیهان شماره 17855 در صفحه 6 مقاله ای از علیرضا شهید کلهری تحت عنوان اعتقاد به مهدویت در ادیان الهی خواندم.

در این مقاله برای تأکید بر افسانه مهدویت حدیثی از پیامبر اسلام نقل می کند. حدیث از این قرار است: یکبار رسول خدا خطاب به حضرت زهرا علیهم السلام فرمودند: دخترم ، خداوند تبارک و تعالی هفت چیز به ما داده که به احدی قبل از ما نداده است:

- ۱- پیامبر ما بهترین پیامبران است و او پدر توست
- ۲- وصی ما بهترین اوصیا است و او شوهر توست
- ۳- شهید ما بهترین شهداست و او عموی پدر توحمزه است
- ۴- از ما کسی است که خداوند به خاطر از دست دادن دو دستش در راه خدا به او دو بال داده تا در بهشت پرواز کند.
- ۵- از ما دو فرزند است حسن و حسین
- ۶- و قسم به آن خدایی که غیر از او خدایی نیست مهدی این امت از ماست. همان کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می خواند و سپس رسول الله دست بر پشت امام حسین گذاردند و سه مرتبه فرمودند از نسل این است.

ناگفته نماند یا حضرت محمد فراموش کرده است برتری هفتم را ذکر کند یا اینکه نویسنده مقاله هر چه به ذهن خویش فشار آورده نتوانسته است بیشتر از این دروغبافی کند.

فرض بر آن می گیریم که محمد از غیب خبر داشته است و حضور مهدی را از خاندان خویش نوید داده است و از ماجرای کربلا هم به واسطه علم وحی آگاهی داشته است. بهتر نبود این پیامبر از خود راضی از خدا می خواست در بهشت به حضرت ابوالفضل به جای دو بال دو دست عطا کند؟ از طرفی به مسلمانان وعده بهشت آنچنانی با میوه های فراوان می دهد. بهشتی را به تصویر می کشد که در آن پر از حوریان بهشتی است که هر بار پس از نزدیکی دوباره باکره می شوند. حیف نیست حضرت ابولفضل از این همه نعمت محروم باقی بماند. آخر چگونه حضرت عباس با دو بال خویش از درختان بهشتی میوه بچیند و بر دهان بگذارد. یا اینکه این حوریان بهشتی را چگونه برای انجام عمل سکس با دو بالش آماده می کند. جای شگفتی نیست؟

درفش کایوانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi>